روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ • ۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ • ۲۶ می ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۹۵ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۱ • اذان صبح فردا ۳:۱۰ • طلوع آفتاب ۴:۵۲

در روزهایی که تهران هوای گرم بهاری را تجربه می‌کند، ارتفاعات توچال تداعی سپیدی از زمستان است. بارش‌های ادامه‌دار بهار امسال همچنان پیست اسکی توچال را فعال و پرشور نگه داشته است. با وجود اینکه در سال‌های گذشته فعالیت پیست بین‌المللی توچال در اوایل بهار به پایان می‌رسید، امسال در نیمه دوم بهار همچنان پذیرای ورزشکاران و علاقه‌مندان به این ورزش هیجان‌انگیز است. عکس: محمدحسین صنعتکار، باشگاه خبرنگاران جوان

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

دو خبر

۲۰ درصد

گروه‌هایی که آثارشان را در اسفند سال گذشته و فروردین سال جاری در مجموعه‌های تئاتر ارشاد به صحنه برده‌اند، از بخشودگی ۲۰درصدی سهم سالن برخوردار می‌شوند. به نوعی صد درصد فروش گیشه این اجراها به گروه‌ها تعلق می‌گیرد و قرار شده است که درصد سهم سالن از فروش آنان کسر نشود. همچنین با توجه به درخواست گروه‌ها و در نظر گرفتن ظرفیت سالن و فروش گیشه اجرا، کمک‌هزینه‌ای حمایتی هم به گروه‌ها پرداخت می‌شود. هزینه‌های تولید تئاتر نسبت به گذشته بسیار بالاتر رفته است، ولی سعی شده افزایش بهای بلیت اجراها اتفاق نیفتد.

۱۰۰۰ سال

باستان‌شناسان در آتشکده تاریخی بازه‌هور، آخرین تصویر گچ‌بری‌شده یزدگرد سوم را پیدا کردند. این تصویر در بنای بازه‌هور که اواخر دوره اشکانی پایه‌گذاری شد، پیدا شد. همچنین تعداد زیادی دیوارنوشته فارسی میانه از بخش‌های مختلف این آتشکده کشف شده که از اهمیت مذهبی و تاریخی این مجموعه حکایت دارد. پژوهشگران احتمال می‌دهند این آتشکده همان آتشکده مشهور «آذر برزین‌مهر» است. باستان‌شناسان معتقدند وقوع زلزله‌ای شدید در اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم هجری، باعث تخریب گسترده بنا و متروک‌شدن این آتشکده شده است.

هفت‌گانه‌ای درباره هفت‌خان اینترنت بین‌الملل

پویا نعمت‌اللهی
روزنامه‌نگار

با وجود اینکه بیشتر نهادهای صنفی و محافل وطن‌دوست و صلح‌طلب کشور همواره بر لزوم اتصال اینترنت بین‌الملل اصرار دارند، اما هنوز هیچ اتفاق تازه‌ای در این رابطه نیفتاده و اینترنت همچنان قطع است.

سخنگوی دولت گفته اینترنت پرو مصوبه شورای عالی امنیت ملی را دارد که رئیس‌جمهور رئیس آن است. وی توضیح داده که رئیس‌جمهور پیگیر حقوق مردم است و پس از رفع مشکلات و دورشدن سایه جنگ، وضعیت به شرایط عادی تغییر می‌یابد. به نظر می‌رسد که می‌توان صحت این ادعا را زیر سؤال برد. به عبارت دیگر، گویا قرار نیست هرگز اینترنت به شرایط قبلی برسد. اما چرا و با استناد به کدام ادله؟

اول اینکه هیچ‌گاه منظور از «شرایط عادی» مشخص نیست. می‌توان دامنه تعریف آن را فراخ و گسترده کرد تا بتواند میزبان هر شرایطی باشد. با عادی‌ترشدن اوضاع و ازسرگیری زندگی روزمره، انتظار می‌رفت اینترنت وصل شود، ولی این اتفاق هنوز محقق نشده است.

دوم اینکه این ابرام عجیب بر قطع‌ماندن اینترنت، شکل عادی ندارد.

سوم اینکه موضوع اینترنت پرو صدای همه را درآورده است. چندی قبل انجمن تجارت الکترونیک ایران نسبت به آنچه «طبقاتی‌کردن و چندقطبی‌کردن جامعه به دست مسئولین» نامیده بود، اعتراض کرد. آنها قضیه اینترنت پرو را «فروش رسمی اینترنت طبقاتی با قیمت حداقل پنج‌برابری» دانسته بودند. واقعیت نیز همین است. سوءاستفاده از یک نیاز بدیهی هر شهروند و سلب این نیاز و آنگاه ارائه آن به یک شهروند دیگر که توان مالی قوی‌تر یا نیاز اجباری شدیدتری دارد، قابل قبول نیست.

چهارم اینکه قضیه اینترنت پرو به‌طور کلی صورت قانونی دارد. با اینکه رئیس‌جمهور و سایر افراد در تشکیلات دولتی سینه‌چاک اینترنت آزاد و باکیفیت هستند، اما خودشان آن را تصویب و اجرائی کرده‌اند؛ در عین حال می‌خواهند فاصله خود را با وضعیت کنونی نیز حفظ کرده و آن را گردن نگیرند.

گفته می‌شود اینترنت‌پرو طرحی از سمت برخی اپراتورها برای ارائه خدمات به کسب‌وکارهایی بود که در این دوره به اینترنت نیاز دارند. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز با اشاره به نحوه واگذاری اینترنت پرو، از پیگیری قضائی تخلفات مربوط به «اینترنت پرو» خبر داد.

پنجم آنکه از همان ابتدا که صدای مردم از بابت تبعیض اینترنت پرو درآمد، رئیس قوه قضائیه به دادستانی کل کشور و سازمان بازرسی دستوراتی برای رسیدگی به موضوع گزارش‌ها درباره وقوع فساد و تبعیض در واگذاری اینترنت سفید و پرو صادر کرد.

ششم آنکه اینترنت یک کالا یا خدمت ویژه است و با کالایی مثل رب گوجه‌فرنگی فرق دارد. هرکسی می‌تواند با داشتن گوجه و ماشین‌آلات و کارخانه و تجهیزات مربوطه، رب گوجه تولید کند، اما اینترنت از این دست نیست؛ فقط معدود شرکت‌ها و تشکیلاتی هستند که می‌توانند سرچشمه اینترنت مردم را در دست بگیرند. اینها جریان را مدیریت کرده و آن را فقط به یک سمت برده و سمت مقابل را از آن بی‌نصیب گذاشته‌اند؛ چراکه در مدیریت سمت اول چه‌بسا صدها و هزاران میلیارد سود خوابیده است. مردم برای مقاصد گوناگون کاری، شغلی، تحصیلی، سرگرمی و صدها دلیل دیگر نیاز به اینترنت بین‌الملل دارند که اکنون بعد از جنگ تحمیلی کاملا قطع شده است.

هفتم اینکه ما شاید جزء معدود کشورهایی هستیم که برای بهره‌مندی از فناوری‌های پیشینی باید از جیب خود هزینه بدهیم. یک مجری صداوسیما در واکنش به خبر تست و راه‌اندازی اینترنت 5G در افغانستان، خطاب به افرادی که اینترنت فیلترشده چند ماه قبل خود را می‌خواهند، گفته که اگر چنین اینترنتی می‌خواهید، به افغانستان رفته و در همان‌جا زندگی کنید.

به تعبیر دقیقی که در یکی از خبرگزاری‌ها منتشر شد، مردمی که درباره کیفیت اینترنت و ارتباط با جهان سؤال می‌کنند، نه بی‌وطن‌اند و نه شیفته کشوری دیگر؛ آنها فقط می‌خواهند در کشور خودشان از امکاناتی بهره‌مند شوند که در بسیاری از نقاط جهان به یک استاندارد عادی تبدیل شده است. وطن‌دوستی دقیقا از همین نقطه آغاز می‌شود؛ تلاش برای بهترشدن شرایط در همان جایی که به آن تعلق داریم.

ما به صداقت رئیس‌جمهور باور داریم، اما ظاهرا او نقش و اراده و تأثیری در قضیه تأمین اینترنت بین‌الملل ندارد. سخنگوی دولت گفته قرار نبود اینترنت پرو حق دسترسی عمومی را سلب کند؛ به این ترتیب، یا دولت نمی‌دانسته چه چیزی را دارد تصویب می‌کند که عذر بزرگی است یا اینکه می‌دانسته و باز هم مصوب کرده که این قابل پذیرش نیست.

کنار هم گذاشتن این شواهد نشان از این دارد که باید این احتمال را جدی گرفت که چه‌بسا اینترنت بین‌الملل هرگز وصل نشود. درواقع اگر تا دو هفته دیگر چنین اتفاقی نیفتاد، آنگاه باید به سختی باور کنیم که محقق شود.

اواخر هفته گذشته پزشکیان برای معاون اول خود حکم ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی را زد. در همان روز معاون مذکور به وزارت ارتباطات رفت. این تلاش‌ها را می‌توان به‌نوعی در این راستا فهم کرد که دولت قصد دارد در همان دو هفته آینده حرکت مشخصی برای اتصال اینترنت بین‌الملل داشته باشد. اگر موفق نشود، آنگاه به واسطه جذابیت درآمدی در ارائه «اینترنت پرو»، قطعا خدمات اینترنت بین‌الملل در قالب یک مقوله متفاوت با اینترنت داخلی درخواهد آمد.

گزارش‌خوانی

خانه‌هایی که ویران شد

هنگامی که در شهر می‌چرخیم، نگاهمان به خانه‌هایی می‌افتد که در گوشه و کنار شهر آسیب دیده و ویران شده‌اند. «فارس» با یکی از کسانی که از همان روز دوم جنگ به پاک‌کردن خانه‌ها از گردوغبار مشغول بوده، گفت‌وگو کرده است. حسن ناصری ۲۵ساله و دانشجوی دانشگاه تهران، با رفقایش بعد از هر موشک و حمله به سراغ خانه‌های ویران می‌روند؛ خانه‌هایی که صاحبانشان اندوهگین به نظاره نابودی آن ایستاده‌اند. ناصری از اولین اصابت می‌گوید؛ انفجاری که لرزه‌اش میدان انقلاب را تکان داد. «ساعت اول بود. مردم گیج و مضطرب بودند؛ بعضی در فکر اسباب‌کشی بودند. خانه‌هایی که در شعاع دورتر قرار داشتند، غرق در آوار شیشه و خاک بودند». تلخ‌ترین تصویر برای او در خیابان طالقانی و بهار رقم خورد. یک ساعت پس از اصابت موشک به آنجا رسیدند؛ جایی که دو خانه مسکونی به‌طور کامل تخریب شده بود و آمار شهدای غیرنظامی بالا بود. او می‌گوید: «مجبور بودیم برای آواربرداری با کفش وارد خانه‌هایی شویم که تا دیروز حریم شخصی و محترم مردم بود؛ خانه‌هایی که شاید کسی با کفش در آنها راه نمی‌رفت، اما حالا وسایل شخصی‌شان زیر آوار خاک و شیشه مدفون شده بود». او از مکانی دیگر هم می‌گوید: «دیدم سگ زنده‌یاب نقطه‌ای را شناسایی کرد. نیروهای امدادی آوار را کنار زدند و بخشی از یک پیکر نمایان شد. پدری جلو آمد؛ از روی یک نشانه، شاید یک انگشتر یا گردنبند، فرزندش را شناسایی کرد. پیکر را در سه قسمت مجزا بیرون آوردند. بعدا مشخص شد او یک دخترخانم جوان حدودا ۲۰ساله بوده است». در ابتدای ورود، برخوردها کمی سرد و حتی ناراحت‌کننده بود. بازمانده‌ها عصبانی بودند و حتی زیر لب غرولند می‌کردند و حتی دلخور بودند. ناصری و رفقایش به هر خانه‌ای که می‌روند، طوری آنجا را تمیز و بازسازی می‌کنند که انگار خانه خودشان است و تا لحظه آخر که خانه به وضعیت عادی برگردد، پای کار می‌مانند.

آنها کارهای متنوعی را انجام می‌دادند؛ از جمع‌آوری آوار وشیشه‌خرده‌ها تا نصب شیشه‌های جدید، حتی پوشاندن پنجره خانه‌ها با نایلکس. آنها با گروه‌هایی از خانم‌ها هم همکاری کرده‌اند تا در هر خانه دست‌کم یک یا دو شیشه نقاشی‌شده نصب شود؛ قاب پنجره‌ای که تا دیروز با صدای انفجار شکسته بود، حالا تصویری از نمادهای میهن را به آغوش می‌کشید تا صاحبخانه یادش نرود که تنها نیست.

یادداشت

آغوش ایران

علی‌نامجو

وطن، با مردمش وطن است و کودکان، بخشی از مردم؛ نوآموزان و مهرپروردگان امروز و بزرگان و وطن‌داران فردا. با این نگاه شاید بتوان پاسخی درست داد به نگره‌هایی که می‌کوشند کودکان را در خلأ اطلاعاتی و رویدادی بپرورند و پرسش این است که در چنین وضعیتی، اساسا پرورشی رخ می‌دهد یا نه؟ در مقابل این، نگاه‌هایی افراطی‌اند که می‌کوشند کودک را در نقش‌ها و کنشگری‌هایی فراتر از آنچه حد محفوظیت جسمی، روانی و حقوقی او است، قرار دهند که ناگفته پیداست تا چه حد می‌توانند آینده زیستی کودک را اعم از جسمی و روانی، به مخاطره بیفکنند. میانه این دو نگاه که در هر جای جهان و در هر فرهنگی ممکن است بروز کنند، نگاه اعتدال‌گرایانه‌ای است که نه کودک را از دنیای کودکی‌اش بیرون می‌افکند و نه او را با غرق‌کردن در خوش‌بینی‌ها و عافیت‌طلبی‌های غیرواقع‌گرایانه، از قوی و درست‌زیستن در جهان واقعی محروم می‌کند. این خط اعتدال، امری نسبی و متغیر است که براساس اسباب و اثرگذارهای مکانی و زمانی زیست‌جهان کودک تعیین می‌شود؛ آن‌هم به یاری تعقل و مشورت با صاحب‌نظران این عرصه.

میزان آگاهی یا بی‌توجهی کودک نسبت به دنیای بزرگ‌ترها و وقایع آن، به اینکه زیستگاه او در چه موقعیت سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی در این جهان قرار دارد بستگی دارد؛ زیرا اقتضائات و آثار هر یک از این عوامل و دگرگونی‌هایشان، تأثیر مستقیم بر کودک و بزرگسالی او دارد و در نظر نگرفتن اینها در امر تربیت، دوراندیشانه و حقیقت‌سنجانه نیست؛ زیرا کیست که نداند کودک را باید برای فردا و حقیقت فردا پرورد. همان‌طور که گرفتن کودکی از کودک ظلم است به او، پروردنش در دنیایی خیالین و بی‌مصداق هم ظلمی است که امکان جبرانش از ظلم نخست کمتر است.

براساس آنچه گفته آمد، وطن یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر زندگی کودک مؤثر است و کیفیت و شناخت و نوع نگاه او به وطن بر بسیاری از انتخاب‌ها، کنش‌ها و توانایی‌هایش در آینده اثر می‌نهد. با یادکرد چنین اهمیتی، اکنون می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین وظایف پدر و مادر، آشناکردن کودک با میهنش و نیز اقتضائات ملی و میهنی او است؛ بنابراین، سپردن تام و تمام این وظیفه به مدرسه، دولت و... فرصت‌سوزی و به نظر نگارنده، نوعی تحمیل محرومیت است به کودک.

در اینجا گفتنی است که مهم‌ترین مهر و لطف به کودک (و نیز به وطنِ کودک) صیانت از سلامت روان و جسم و توانایی‌های ادراکی کودک است؛ البته آموزش پرسشگری و نیز استقلال و خودباوری تحلیلی به او که می‌تواند سلامت و توانایی ادراکی او را در آینده تضمین کند. این خودباوری و استقلال تحلیلی، طبیعتا در هر دوره‌ای متفاوت است و به معنای بی‌نیازی کودک از آموزش صحیح نیست. کودک، جهان را نخست به واسطه پدر و مادر می‌شناسد؛ برای مثال، نزاع و جدال پدر و مادر در حضور کودک، جهان او را پریشان و بسیاری از توانایی‌های او را با مانع مواجه می‌کند. در مقابل، فضای صمیمی و دور از اضطراب خانواده به همراه درک درست و به‌جای حقایق و وقایع، ضمن آشنایی اندک اندک کودک با مشکلات و سختی‌ها، می‌تواند او را حقیقت‌بین، توانمند، چاره‌جو و خودبسنده بپروراند. بنابراین مختصات جهان و شخصیت کودک تا حد بسیاری با نگاه، رفتار، آگاهی و آمال و آلام پدر و مادر تعیین می‌شود و همچنین است مختصات «ایرانِ» کودک.

دریغا اگر در نگاه پدر و مادری، نیازهای جسمی و روزمرگی‌های کودک، اهمیتی بسیار فراتر از ایران‌شناسی و ایران‌خواهی او داشته باشد. این یک گزاره انتزاعی و فداکارانه یا صرفا میهن‌دوستانه نیست؛ زیرا ایران، مفهومی مادی و معنوی است که آشنایی با آن و با میراث آن، نیرویی است افزاینده در جهت رشد و تعالی و شناختگری هر انسان.

پیشینه اندیشگی ایران، مکتبی است سرشار از آموختن خلق و درک زیبایی، درس‌های زندگی و شاهراه‌های شناختی و الگوهایی که می‌توانند ذهن و جهان هر فرد را دگرگون کنند و توانایی‌های پنهان او را آشکار کنند؛ می‌توانند هر درون فسرده و ساکنی را به سوی انقلابات و فروزش و جوشش راه نمایند. این آثار، مفاهیمی اصیل، مرتبط با هستی‌شناسی، اخلاق‌مداری، معناجویی، عشق و... را در بر دارند که از نیازهای اساسی رشد فرهنگی و فکری جوامع بشری هستند. به بیانی دیگر، کمتر علمی را می‌توان در دنیای امروز یافت که ریشه‌ها و نیز برخی جهش‌های آن در تاریخ و تمدن ایران موجود نباشد. پس برای بهتر زندگی‌کردن، آشنایی با چنین گنجینه علمی و تعلیمی و ادبی و شناختی، نه‌تنها مفید بلکه لازم است و «از ایران گفتن» ما در این گفتار، صرفا از سنخ ملی‌گرایی‌های ملیت‌گریز و رؤیازیستی‌های ملی‌گرایانه نیست، بلکه هم ملی‌گرایانه است، هم بهره‌جویانه و هم هدف‌خواهانه. ایرانی‌بودن، به شرط آنکه درک شود، ملیتی است که فواید زیادی به زندگی هر انسان ارزانی می‌دارد و نیز او را سوی اهدافی متعالی ترغیب می‌کند. افزون بر اینها، سرزمین زیستی کودک ایرانی، ایران است و میزان، نوع و کیفیت شناخت سرزمین، تأثیر مستقیم بر زندگی فرد دارد. دیگر سخن آنکه ایران نه‌فقط در کتب تاریخی، نه‌تنها در دیوان‌های شعر و نه منحصرا در کتیبه‌ها و اشیای باستانی، بلکه گاه در یک قصه مادرانه یا پندی پدرانه امتداد و پیوستگی تمدنی یافته است. چه دوره‌هایی که ایران، در جغرافیای خودش، در سکوت خانه‌ها حبس شد و درست همین‌جا بود که نجوایی عاشقانه، قصه‌ای مادرانه یا حتی نگاهی همدردانه، راوی ایران شد و ایران، در نجواها و قصه‌ها و حتی در نگاه‌ها نفس کشید تا بماند و روزی دوباره خورشید فتح و آشکارگی برافروزد؛ تا اکنون به دست ما برسد.

آری آغوش پدر و مادر، ایرانی است که دست هیچ انیرانی به آن نمی‌رسد.

که ایران چو باغی‌ست خرم‌بهار
شکفته همیشه گل کامگار